

میرزا اسکندر یاور و میرجم سواره را از ارم که مشغول
کنینیا ز بهودت اجتناب شهرند صد نفر

سواره نظام و نجار صد نفر
جمع کارکنان امور حاجه

گامی اجزای دفتر خایه بگری
بزرگ و کارکنان تقییس هر یک با اتباع خود
استقبال نموده بچراغ جلیق کالکها
پیاده شده و کمال احترام و پذیرائی را بعمل آورده
جناب مغزی الیه نیز لوازم مهربانی را با آنها منقول
داشته و تا باغ مانیتو که فریب بهشت و عمارت
عالی دارد و در آنجا شیرینی و سایر اسباب
و پذیرائی حاضر ساخته بودند آمدند که بفرمان
بدین موجب با جمع کشیری از صاحب منصبان دیگر

جزال با نو کیشیا جزال لای جزال و اندرین وقت
محرر محرابی
ویم در باغ صف کشیده احترام شایسته بعمل آورد
و جناب الیچی کیم پیاده شده و باغ رفتند بعد
از صرف چای و شیرینی و قهوه بیرون آمدند چند
عزاده کالک و کاری علیحده بسیار خوب حاضر
ساخته بودند جناب مغزی الیه با اجزای سفارت
نشسته و درین بین پلیس مسطر شهر تقییس با تمامی اجزای
پلیس آمده لازم احترام را نمودند بعد از آن کلمات
شهر با همه معارف و اعیان از تجار و غیره با طبل و علم
که انظار کمال احترام و شادمانیت آمده لازم احترام

و استقبال را بعمل آوردند و همه سکنه شهر
تقییس از مسلمان تبعه دولت نیکه ایران و تبعه دولت
یهود روس و ارمنی و کرجی و یهودی و غیره کلمات
با استقبال و تماشای آمده بودند در دو طرف
صف کشیده بمقتاد رس کاو و کوسفند که از آنجا
سی و شش رس کاو و کوسفند از تبعه دولت علییه
و مابقی را اهل تقییس قربانی کردند در دم دروازه
قراول خانه که بود قراول آنجا را دو مساوی نمود
ادای احترام نظامیه و سلام با بیدق و طبل و
نمودند و در حین ورود بشهر شروع بانداختن
توپ کرده بیت و یک توپ بجهت احترام شلیک
کردند و بدین ترتیب تا قراول خانه بزرگ دم
در خانه جناب جلالتاب جانسین مملکت قفقاز
آمده قراول آنجا را نیز دو مساوی کرده احترام
نظامیه و سلام با طبل نمودند و منزل جناب الیچی
کبیر را در خانه ناچار لینگ شتاب یعنی امیر نظام
که خانه آن بهتر بود معین نموده بودند در منزل
فوج صالحات که در تقییس مستند صف نظامی کشیده
و جنرال یاور اسب کا ماندات شهر یعنی طبعه بیک
سر نظام پیاده بجا از پیاده شدن جمیع صحابا
پیش فک کرده سلام نظامی نمودند و در دم دروازه
هم جنرال بر و سیلوف و برادر کنینیا ز بهودت که پیش
دیوانخانه پالاستات که عظم دیوانخانه است
با سایر روسای دیوانخانه و صاحب منصبان اهل
نظام و اهل قلم صف کشیده بودند احترام شایسته

هر یک بقاعده خود بعل آورده جز اول بر سینه
 آتش را متقی نمود و جناب معزی الیه با هر یک علی
 بر ایتم بر اسم عربانی را امری داشته بمنزل آمد
 و بلا فاصله جناب کینیا ز بهود ف شیرینی و
 با جودان خود و بیمار کباده منزل فرستاد صاحب
 بزور ساعتی در آنجا لوازم احترام و پذیرائی را
 بعل آورده و عذر خواهی نموده مراحت گردید و
 دو نفر جودان و سه نفر افسر یعنی کارگذار
 بخواه پیشی زمان معین کردند که همیشه مواظب صحت
 باشند و ساعت فاصله جناب کینیا ز بهود
 به بدن آمده مرسم اشاد و نهایت ورود در آنجا
 آورده جناب با لپچی کبیر نیز اظهار شرف بکافات
 او نموده بعد از صرف چای و قهوه بمنزل خود
 نمود فردای روز و روز و جناب لپچی کبیر بنای
 باز دیده داشتند جناب کینیا ز بهود ف سحبه
 احترام مجلس باز دید را در خانه جناب لپچی
 چنانچه قرار داده بودند جمع صاحب منصبانی
 در مجلس حضور داشتند از اهل کسیر و اهل علم
 کسی خودشان در اطرافها صف کشیده
 بودند و در حین ورود جناب لپچی کبیر خود جناب
 کینیا ز بهود ف تا دم در اطاق سستی استعجاب
 نموده جز الهما و صاحب منصبانیکه از بابت احترام
 در آنجا صف کشیده بودند معرفی نموده پس از
 عالی و قلیان و شیرینی بمنزل مراحت نموده بلافا
 عود جناب بهود ف با بعضی از جتر الهای بزرگ

بباز دیده آمده بعد از صرف چای و شیرینی و
 و قلیان در کمال خوشحالی دسترت بمنزل خود
 نمودند
 چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهم
 عالی منظور خاطر حقانیت کزین آنس تا چون
 شاهنشاهی دامت شوکت است و شخص این کالی
 متدین که هر یک از علمای اعلام را در وقت شرف
 حضور مبارک بطور اعزاز و احترام محفل می نمودند
 تا یون بسیار و لازم بود و لهذا درین اوقات
 که مرحوم حاجی ملا محمد نظام انصاری رحمت ایزدی
 پیوست نظر با آنست و تقدس و بابت عا
 مقرب الخاقان نصر الدخان شایسته این منصب
 آمده و در این اوقات منصب جلیل نظام انصاری
 از جانب سنی اسجوانت فوکا که مقرب الخاقان
 مشار الیه مفوض گردید که سر و کار طبقه علییه
 مجتهدین عظام و علمای اعلام با او بوده در وقت
 و احترام آنها لوازم اهتمام را بعلن سیاه رود و بهود
 که شرفیاب حضور مبارک میشوند آنها را با
 و احترام تمام شرفیاب زد و انجام نامول و
 متوسطه توسط مقرب الخاقان مشار الیه باشد و
 بکلیت و مثال سر بجهت عا و دیگر خوب چه تر مد
 مشار الیه خلعت مرحمت گردیده و فرمان چای
 نیز در باب منصب مقرب الخاقان مشار الیه
 صد دریافت
 چون مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام

۳

۱۵۶۹

سجده انجام بعضی خدمات از خراسان برکاب
 حضرت انتاب خج استند و درین روزها بدر بیان
 تایون شامشاهی و امت شوکت آمد لهذا عالیجاه
 میرزا محمد قوام الدوله را منصب وزارت خراسان
 سرافراز و فرمان تایون درین باب شرف
 صدور یافته بگوشه چیه زده از جانب سنی اچو آب
 ملوکانه باه خلعت مرحمت کردید که از روی کفایت
 و درایت بلوازم شغل پیشکاری خراسان و
 انجام خدمات و معاملات دیوان قدرشان برود
 و این اوقات روانه محل موصی می شود
 نظر بلاحظه خدمات سابقه و لاجله عالیجاه مقرر
 آقاخان سرب ایلات قزوین که در نظر هر
 اثر تایون بنصب ظهور رسید خاصه چندی قبل
 که جب الامرتجه نظم امورات و رفع اعتساف
 کیلان مامور شد بعد از ورود بانجا در انجام
 خدمات مرجوعه سعی وافیه و جهد کامل بطوری
 منظور و مقصود اولیای دولت قاهره بود
 بخل آورد و اعتسافش آنجا را بزودی رفع
 نمود و خدمت محوآرا از فرط کفایت و کاروان
 که داشت بخوبی و درستی صورت انجام داد
 لهذا درین اوقات او را منصب جلوسه پیشگی
 سرافراز و فرمان تایون درین باب شرف
 صدور یافته بگوشه چیه زده نیز بمقررب انخافان
 مشارالیه خلعت مرحمت کردید
 چون فریج مرانه ابواب کجی نتیجه انام را العطف

جمع علیجان سرب چندی قبل اردر بارکاب
 مرحض کردیدند و خود مشارالیه سجه انجام
 امورات فریج مزلور در رکاب سیروزی انتاب
 بود درین اوقات که کارهای خود را صورت
 انجام داده از حضور باهر انور مبارک مرخصی
 نموده روانه اوزر باجان بود محض ظهور غمایت
 ملوکانه در باره مشارالیه یک شوب کلیدی از
 تن مبارک باه خلعت مرحمت کردید که سبب
 معافیت و مسامحت او بوده و انجام خدمات
 محوآرا و پیش انیش خاطر اقدس تایون را
 خوشند دارد

نظر بطور صلاحیت و شایستگی مقرب انخافان
 عضد الملک و وثوق و اعتماد سرکار عالیحضرت
 دوتی شوکت شامشاهی ایدالتجیه و ابداله
 عبثه برایت کفایت و امانت و دیانت او
 در این اوقات منصب متولی باشی گری حضرت
 لگام تا من علیه النجه و انشاستوب و برآ
 خلعت تایون باه مرحمت کردید و این روزها
 روانه خواهد شد

امور دار انخافان در نهایت انتظام است
 و عموم چاکران در باره تایون از اعلالی و ادانی
 نظام و غیر نظام هر کس در کار و خدمت خود
 و سعی پیاشند و احدی قدرت حرکت
 ندارد و امور او نجانها نهایت انتظام دارد
 و شرارت اتفاق نمی افتد

۱۵۷۰

سایر ولایات

آذربایجان از قرار یک دور در زمان این ولایت نوشته اند از اینها است نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره الدوله معتد دربار سپهر هشتم مقام قائم مقام امور آنجا از هر جهت قریب نظام است و امالی آنجا در رفاه و آسودگی مستند ولی غلام علی محمد کرم بودن حاصل قدسی تغییر بسیار شده بود

دیگر نوشته بودند که عالیجناب اسکندر خان بنا اول اجودان باشی که از جانب سنی بجا آمدند مسعود عالیجناب قوی شوکت شاهنشاهی و است شوکت بود در سبب آنروز جمیع بازار راه کار و انرا و دکا کین را چراغها و این بنیادی نموده و قوسولهای دولتی شتخا نیز منازل خود را چراغان نموده لوازم حسین و سرور اهل آورده عموم خلق مشغول عیش و شادمانی بوده اند و در روز نورنواب شاهزاده والا نصره الدوله بقایان سایر اعیان و بزرگان فقها و نظام عام داده میران پنجه و سرتیپان و صاحب منصبان و خوانین غلام و سایر کارکنان و لیوان هایون در اطاق نظام در نزد معتد دربار سپهر هشتم مقام قائم مقام جمیع شده صرفه بخش و شیرینی کرده و بعضی از شعرا هم قصاید در اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی برشته نظم

بودند و آنجا خواننده شمول صلوات و جوایز گردیده اند بعد از آن تمامی اهل سلام خدمت نواب شاهزاده نصره الدوله حاضر گردیدند و اجرا شلیک توپ شده ادای خطبه طبع بنام آنجا و ایون و احتشام بیارز و یاد شوکت ایدمورد گردیده لوازم تهنت عید سعید مولود در بطور شایسته بجا آوردند

دیگر نوشته بودند که عالیجناب اسکندر خان بنا اول اجودان باشی که از جانب سنی بجا آمدند مسعود عالیجناب قوی شوکت شاهنشاهی و است شوکت بود در سبب آنروز جمیع بازار راه کار و انرا و دکا کین را چراغها و این بنیادی نموده و قوسولهای دولتی شتخا نیز منازل خود را چراغان نموده لوازم حسین و سرور اهل آورده عموم خلق مشغول عیش و شادمانی بوده اند و در روز نورنواب شاهزاده والا نصره الدوله بقایان سایر اعیان و بزرگان فقها و نظام عام داده میران پنجه و سرتیپان و صاحب منصبان و خوانین غلام و سایر کارکنان و لیوان هایون در اطاق نظام در نزد معتد دربار سپهر هشتم مقام قائم مقام جمیع شده صرفه بخش و شیرینی کرده و بعضی از شعرا هم قصاید در اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی برشته نظم

۱۵۷۱

معمول بر سر بازار ماه و کاکن سپه جمعا کجایه نویسن
ز قده بلوازم تنب حلال مهر شعاع قیام و اقدام نموده

دیگر نوشته اند که بعد از ایام وجه عاشورا باز در
تکایا و مساجد و خانها مجالس تعزیه داری برپا
و معتقد در بار سپهر هشتم قایم مقام شهبای
جمعه را مجالس تعزیه داری و روضه خوانی دارد
و مجالس تعزیه داری بدعای بقای وجود فاین
کایون خستام می یابد

فوج اول خاصه که بچه سان احضار تبریز شده
سان آنها بدقت دیده شده مواجبه
سند ماضیه را از محل دریافت کرده بودند و مواجبه
سه ماه دیگر این بچه سان باستحصار
شکر نوبان در اطاق نظام تقریر دریافت
کرده مرض خانه شدند

و چشمین از توپچیان طوائف آذربایجان نیز که
در بار تالیون شده بودند توپچیان طوائف
در بقیع صف و ارد تبریز کرده مواجبه
محل را دریافت کرده بودند و مواجبه
و دیگر در اطاق نظام با آنها داده شده روانه
دار انخلاف مبارک شدند

فوج دهم خوی ابوالسجده عالیجاه شهنشاهی خان سرتنگ
در پنجم ماه مزبور وارد تبریز شده و فوج بهادر
انبار استقبال نموده در بالای باغ صفا چادر زد
از یازدهم ماه مزبور تا یازدهم مواجبه انبار

با بخار و اخته روانه نمودند
فوج جدید فشتار ابوالسجده عالیجاه یوسف خان
سرتنگ نیز یازدهم ماه مزبور وارد تبریز گردید
و از روز ششازدهم بنای دادن مواجبه آنها
بوده است که بقاصد دوسه روز مواجبه آنها
پرداخته شده روانه شوند

دو دسته از افواج بهادران که بر حسب حکم
اولیای دولت روز افزون مأمور بستان
نزد نواب مستطاب شاهزاده والا بیار حشام
خان میرزا بودند چون مدتی در درب خانه فرود
بودند مرض خانه گردیدند که یازدهم روز سر
بیمال خود کرده بعد به تبریز آمده مواجبه
خود را دریافت در راه محل مویست شوند

مقرب انخاقان عباسقلیخان میرنجه که حسب الامر
قدر قدر علیحضرت شاهنشاهی دست شکسته
مأمور گرفتن یک فوج جدید امیریه بود و از آنجا
گردیده و معتقد در بار سپهر هشتم مقرب انخاقان
قایم مقام احکام مؤکده همه حکام نوشته اند که
سر باز جدید و او طلب بدینند و ملاحظه نمایند
که بعضی محلهها که سر باز زیاد دارد و مجید و تکیرند که
مایه کشت مالیات و یوانی میگرد و چنانچه باعث
خرابی اغلب دعات زیاد میسازد

دیگر نوشته اند که عالیجاه سخی خان المغانی حاکم مراغه
مدتی بود که در تبریز بود و درین اوقات شغل حکومت
خود مأمور روانه مراغه گردید و بعد از رسیدن

۱۵۷۲

او بر آنه مقرب انجانان حسین پاشا خان
میر چچم بقر بر آمده چند نفر و زود مرانگه گرفته بود
و ستاد آنها را بقر زیاده و رند تا تحقیق احوال
استر آباد و استر آباد و وضعها
و بروجرود و بسطام ازین ولایات
درین وقت اخباری نبود

خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته
در این اوقات فرمان مهران علیحضرت
قوی شوکت شاهنشاهی ظل الله علیه و سلطنت
که بر افرازی عالیجاه اراض خان و سایر
سرخس شرف صدور یافته بود با تعلقه جناب
اشرف انجم صدر اعظم باسما رسید و امید
تمام برای آنها حاصل گردیده پنج شش هزار خان
آنها در کمال امیدواری و صداقت در مقام
و اطاعت این دولت قوی مکت علییه میباشند
بعضی از ترکمان سرخی که بقریاب و آن اطراف
رفته و کاهی سرفت و دست اندازی باطراف
نیکند عالیجاه اراض خان و ترکمانانی که در مقام
خدمتگذاری مستند در خدمت نواب مستطاب
نما هزاره انجم فرمانده متحد شده که جمیع
تو در افرایم آورده در مقام مخالفت آن اشخاص
آمده آنها را نیز در مقام چاکری و اطاعت و فرمان
در آورند

در نوشته بودند که درین اوقات قافله بخارا که

پوست بخارانی و سایر اجناس سبزه خراسان
حل کرده بودند صحیحاً و سالمآورد اراض افغان گردید
و بجهت خدمتگذاری ترکمان سرخی آن راهها
دارد

خوار خسته و سمنان و همدان
و عراق و عربستان و قره قروم
و کاشان ازین ولایات نیز درین
اخباری نبود

کرمانشاهان

از قراریکه در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته
بودند در محله مشهور بعلاف خانه بچند خانه تا
ساعت از شب گذشته چند شب متوالی سنگ
می انداختند و بعضی را اعتقاد این بوده است
که اجتناب این سنگها را می اندازند صاحبان خانه
مراتب را بعضی نواب عا و والد و له حکمران کرمان
رسانده بعد از تحقیق مراتب معلوم شده بود
که چند نفر از الواط و اشترار مرکب این محل شدند
نواب معزی الیه فرستاده آنها را آوردند و
متبیه کالی از آنها بعل آمد که دیگر بعد ازین مرکب
اینگونه افعال نشوند

دیگر نوشته بودند که حاجی علی عسکر نام خراسانی
شخصی اصغمانی طلب داشت و شخص مدیون
وزار کرده حاجی علی عسکر شهبشه در قفص او بود
این اوقات کمان بودن او را در کرمانشاهان
کرده مراتب را با عالیجاه فتح الله خان و شهباشی

نواب عابد الدوله انهار دسته بود مشا را اليه
ان شخص اصناماني زاپيد کرده و وجه طلب را تمام
و کمال از او در يافت و تسليم حاجي علي عسکر
بود

کرمان

از فراريکه در روزنامه کرمان نوشته بودند
چاپار که از دربار جهاندار باسجارد روانه شده بود
وارد کرده احکام عليه و نجات انساني دولت
قاهره که مبني بر انصاف و تسليت و دجوني
بازمانه کان مرحوم محمد حسن خان سردار بود
رساند موجب اميد واري آنها بخواه اظمان
دولت قوی شوک عليه کردید

دیکر نوشته بودند که بعد از فوت مرحوم محمد حسن خان
عاليچاه ميرزا شفيع وزير کرمان به بلوکات اوم
فرستاده و نوشته بود که با ليات ديواني
داد و ستد نفايه تا حکم از اولياي دولت
عليه رسد در اين اوقات که حکم اولياي دولت
عليه رسیده و اذن داده بودند که مالياي دولت
وصول و ايصال نمایند عاليچاه مشا را اليه چاپار
هزار و شصت تومان از بابت قسط خزانه مصحوب
چاپارانغا و در بار جهاندار بايون داشته
وامور اوليات را بهرجه عظيم و پيوسته
انجام خدمات و وصول و ايصال قسط ماليا
ميباشند

۱۵۷۴

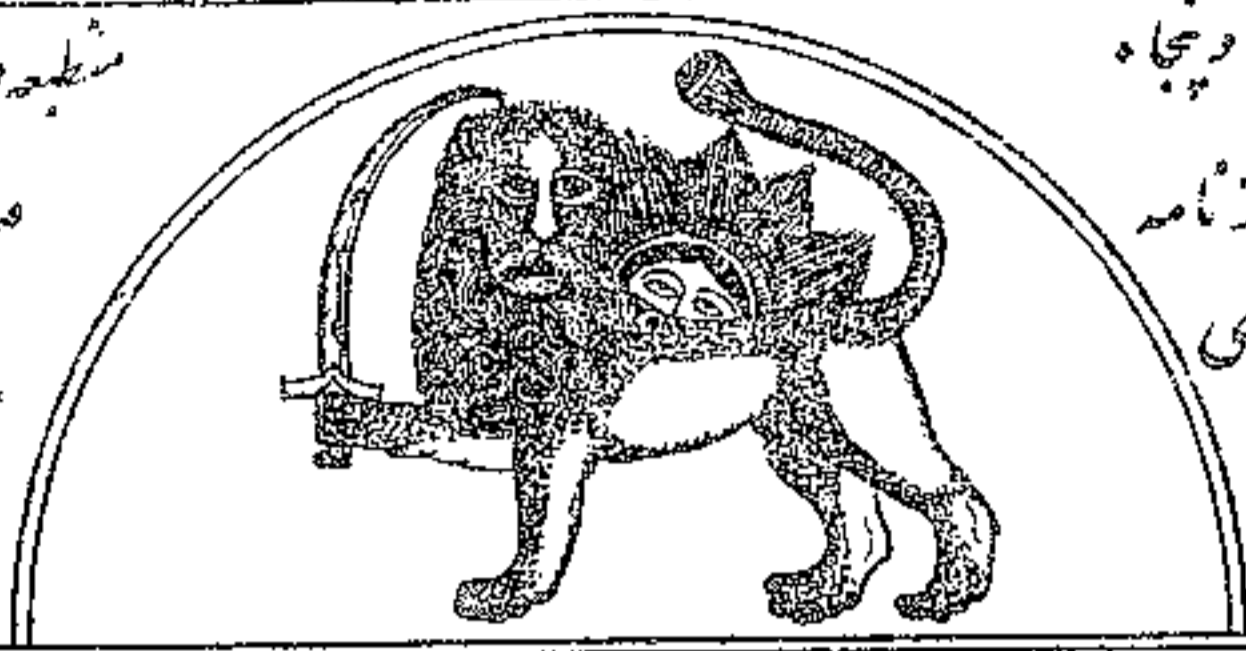
دیکر نوشته بودند که عاليچاه شيخ خيلجان ميرزا
فوج خيلج با نهايت نظم و حسن سلوک با امانتي انجا
رفقارمي گويد و نهايت رضامندي از نظم و
معقوليت او دارند و سرماز جمعي مشا را اليه
همه روزه در ميدان باغ مشغول مشق ميباشند
و انتظام تمام در امر آنها حاصلت کسي از آنها
قدرت شيرازت حرکت خلاف ندارد
کر و استان و کر و س و گيلان و
لرستان و فارس و لرستان و نهاوند
و همدان از اين ولايات نيز درين هفته
اخباري نبود

ميرزا

از فراريکه در روزنامه يز و نوشته بودند خلعت
مهر خلعت کاليون که بجهت مقرب انخاقان محمد
مرحمت و ارسال شده بود و پرتو وصول با انجا
مقرب انخاقان مشا را اليه بجهت نوقير و احترام خلعت
کاليون تا بايغ دولت با جمع اعظم و اشرف
و خوانين و صاحب منصبان نظام با استقبال
شائقه و خلعت کاليون را در باغ فرور
پیکر مفاخرت خود ساخته با اميد واري و بکرم
تمام مشغول انتظام امور اوليات و انجام خدمات
ديوان قدر نشان ميباشد و امانتي انجا مشغول
خاطر اقدس سلوکانه در حق مشا را اليه کمال شکر گذارند
دارند

روزنامه قایم انجمن تالیفات و نشریات روزنامه قایم انجمن تالیفات و نشریات

مشایخ و اراخلاق طهران
قیمت اعلانات
هر خط یک ریال



مزه جلیت و بجاه
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شاهی

اجتبار و احسن مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ماه صفر و ایام تعزیه دار
مقتضی گردیده است چاکران در بارهایون
هر روز به درب خانه حاضر شده است و فای
عظام و شکر نوبیان کرام در دفتر خانیه مبارکه
و امنای و پو انخانه مبارکه و صاحب منصبان
نظام و سران و باستان در بارهایون
در منازل خود که در در ب خانه واره در
سر مشعل و کار و انجام خدمات هر چه خود
نیاز شد و بجهت طاعت هوا افواج قاهر نظام
نیز از توپچی و سواره نظام و سرباز همه روز
در میدان ارک و میدان خارج در واره
و ولت مشعل مشق میباشند و صاحب منصبان
و معین نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها

دارند و هوایم گاهی بارندگی می کند در شب
دو شب گذشته و روز آن یک شب بارندگی
باران بسیار خوبی که زیاد و منفعت برای زمین
دارد و آمده و با الفعل هوا نهایت خوبی و طرا
با خصنای فضل وارد
چون در این اوقات حکیم کلک که فرشته که در
در بارهایون منصب حکیم باشکری و است
وفات یافت و رجوع این منصب جلیل تعزیه
شخصی که شایسته و قابل باشد لازم بود و لهذا
از اطبای فرنگستان عالیجا حکیم پولاک که
بد کاوت و فطانت و خدایت و مهارت
و جز آن مشهور معروف و چند سال است که
درین دولت علیه سمت نوکری دار و در تعلیم
شاکردان و اراخلاق و محالجات امراض بر

۱۵۷۵

چودت ذمن و قابلیت او مشهور و خاطر اقدس
 بایون و ملحوظ نظر اولیای دولتی ابد مفرون
 گردیده و برین روز نامت نصب حکیم باشکری
 حضور بایون برقرار شده بکفایت کرامت
 و بکفایت شال کشیری اعلی از جانب شیخ
 ملوکانه با و خلف مرحمت شده فرمان ملکان
 مبارک و رباب منصب او شرف صدور یافته
 و هر روز در سر نماز حضور بایون حسب الامر
 حضور بهم رسانیده و خواهد رسانید

سایر ولایات
 اورباکجان و اسر ابا و
 این ولایات درین نعت اخباری نبود

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته
 نهایت اذیت و رنج حاصل و امور شهر بملوکا
 به جهت قرین نظام و انضباط است طرف
 و سوار و قرا و گانهای شهر من جمیع الجهات
 منظم و منسق است نواب مستطاب حتمت الدوله
 بعد ایض و مطالب رعایا رسیدگی کامل دارند
 و حسب حکم نواب مغزی الیه اکثر اادیهای شهر
 و بلوکات را تنفیذ کرده و می کنند و امید دارند
 که ان شاء الله تعالی در سال آینده زراعت
 بسیار خوب و فراوان ببل باید هوا نیز نهایت

اعتدال را داشته است و ماکولات و غیره در
 کمال و فزونی بوده است

دیگر نوشته بودند که چون بعضی از قلاع فزیدن که
 محل تخصص و مقام تمام اشعار و مفیدین آن محال
 بود و با استحکام و حصانت آنجا مغزور کشید
 در ادای مالیات دیوان و انقیاد حکام و
 و نایبیهان کابل و حصیهان می نمودند و اغلب
 اوقات قلعجات مزبور را محکم خود قرار داده بنا
 شرارت و هرزگی و تعدی بر عیال گذاشته اطاعت
 بنایب و مباحث محال مزبور نمی کردند نواب مستطاب
 حتمت الدوله در این اوقات فرستاد قلعجات
 که محل اجتماع اشعار مزبور و حکم خانه زبور داشت
 خراب نموده اند و ازین محسنی رعایای محال
 کمال شکر گذارند و دارند که دست نظام ولایت
 و مفیدین از سر آنها کوتاه و اسباب رفاه
 و اذیت برای آنها فراهم آمده بفرمانت

مشغول عیسی میباشند

دیگر از قراریکه تعبیر اخبار اصنفها ترا نوشته
 بودند که کم لوزن تبریز یک من سصد و نای
 و جو یک من ششای و تخم و یک من مفت شای
 و عدس و ماش و لوبیا یک من مفت شای
 و گوشت یک من سصد و بیار و پنج یک من زرشک
 و روغن یک من و دوبرار و مفت شای ریجاس نیز این من سصد و نای

برو چرد و بسطام و خواتین
ولایات نیز درین نغمه اخباری بود

خراسان

از فرار یک در روز نامه خراسان نوشته بود
که بعد از نهایت اغت و اولایت حاصل است
و انالی آنجا با کمال اسودگی بدعا کوفی از دیار
عمرو دولت ابد مدت سرکار اعلیحضرت قوی
شکست شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان مستول
میباشند

و یکروز نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاد
اشتم و الایات فرما فرما تا چهل روز با کمال
شدت ناخوشی و بستر می بودند و چند
روز می توانستند بسلام نشینند ولی درین
اوقات سجدات قدری ناخوشی ایشان روی
سجود می نمودند هر روز سه سلام می نشینند

و بمطالبت علی بن مردم رسیدگی نمایند
و یکروز از فرار یک نوشته بودند و سه روز پیش
از آنکه نواب شاهزاده محمد یوسف پیرات رود
طویر الوله چهار صد نفر سوار فرستاده بود که
از بجز خیمه اسب و اموال حیوان کرده بساوند
یکی از قلاع بجز خیمه رسیده از فرار یک گرفتند
از سادات آنجا را سر بریده و قدری اسیر گرفته
و اموال غارت کرده بودند و از آنجا تبعه دیگر

رسیده خبر و وصول آنجا که بجایگاه میر علم خان
رسیده بود و استحضار دولت نفر سواره
و یکصد و پنجاه نفر تفکیکی که حاضر و استه است

را ردیف سواره نموده و خود را بسواره نفر نور
رسانده طریق مشول زود خورد و کرده عا
میر علم خان بسواره نفر زره غالب آمده بعد
نفر از آنجا را سر نموده و بعد رسماً و نفر زده و
کرده اموال و اسرار آنها را از آنها مستر و نمود
بقیه اسب معدودی سگت خورده و زخمها

رو بودی در آنجا داده اند و تا وصول ابر
چون نواب شاهزاده محمد یوسف پیرات
رسیده و سگت جمعیت سعید محمد خان پریشان
شده بود در راه نجات را از آنجا نرسیده دید
بودند هر چند نفر سستی واری و متواری شدند
و ستمان ازین ولایات خبر
درین نغمه اخباری بود

شاهپرو

از فرار یک در روز نامه اینولایتیه نوشته اند
عالیجاه عبا سفلیجان که از دربارهای آن حکومت
شاه پرو و مامور بود و بعد از ورود با آنجا نظمی تمام
در امورات آنجا داده و در منازل عرض راه
هر جا قنات لازم بوده است در آورده و بجهت
رفاه زوآر و عابریں اهتمام ریا نموده است

۱۵۷۷

از جمله قنات صدر ابا و را که جناب احمد شرف
 اعظم صدر اعظم از خود و وجهی محض حصول
 ثواب و دعای خیر بجهت ذات اقدس باری
 شاهنشاهی و امت شوکت داده بودند در آنجا
 قنات بسیار خوبی در آورده و آب زیاد جدا
 گردیده است و تمام و بحال و آب انبار در
 آنجا ساخته است و زوآر و عابری از حصول
 رفاه و آسودگی در منزل منور زاده شاکر
 و دعاگوی این دولت جاوید علیهم السلام
 دیگر نوشته بودند که سرحدات استخارا و همه
 جاوار مستحفظ گذاشته دست تطاول
 طایفه صاله ترکان از آن صفحات بکلی کوتاه
 گردید و کمال امتیاز و زوار عابری حاصل
 عراق و عربستان و فارس و
 فراتین و قس و کاشان
 اربین ولایات نیز درین بخت جناب
 کرمانشاهان
 در هر ای که در روزنامه این ولایت نوشته است
 ثواب مستطاب عماد الدوله حکمران کرمانشاهان
 که بسرکشی سرحدات رفته بودند کامی آن سرحدات
 استقامی کامل داده اند و بجهت اینکه تسخیر و فتح
 بر رعایا و ایلات و او پیاید بطور اختصار با
 نفاذ لنگر بقدر لزوم حرکت کرده و در هیچیک از
 و ات و بلوکات سیورسات از کسی مطالبه
 نگردانند و بقدر مقدور در تعمیر خرابیها و آباد

۱۵۷۸

مزارع اتمام نموده و در سه پل که محل عبور قوافل
 بود و از مدتی خراب شده عبور قوافل و متروک
 از آنجا با بصورت بیشتر میشد تخته داده و سایر
 محاسنه اند که با کمال احکام بسیار ثواب
 امیرزاده علیقلی میرزا سرب و سایر خوانین و
 سرکردگان هر یک در مجال خود با سواره و
 ار استه آمده در حضور ثواب عماد الدوله
 داده اند و موجب انبهار تا ما بر و اخته نظام
 تمام در کار آنها داده اند و بجهت تهنیت عید مولود
 سعید و علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی
 ملکه و سلطان به شهر محبت نموده اند در شب ششم
 ماه صفر که شب عید مولود و هاپون بود کل بازار را
 چراغان کرده بلوازم جشن و شادمانی و تشریفاتی
 عید سعید پر و اخته و روز عید را در باغ التقدیر
 عام داده اند و اجرای شکرکوبی کرده
 ادای خطبه بنام اقدس شاهنشاهی و است
 بدعای بقای وجود فالین اجداد هاپون و از مد
 شوکت دولت ابد مقرون شده جمیع اعظم
 واعیان و خوانین و صاحب منصبان نظام
 در مجلس سلام حاضر بوده بعد از صرف شربت
 شیرینی سلام منقضی گردیده است
 دیگر نوشته اند که بجهت اتمامات اولیای دولت
 علیه و حسن رعیت داری و خوش رفقاری
 مستطاب عماد الدوله شهر و بلوکات است
 آبادی تمام یافته بعضی از قوی و مزارع که خراب

خالی از سکنه بود درین اوقات همه کجایه آبادی و
سخون باغات و باغین و زراعات گردیده
همچنین در خود شهر کرمانشاهان زیاده از هزار دست
عمارت جدید البنا احداث شده و هیت خانه
وزیرین ترقی کئی نموده چنانچه خانه که سابقا بصدور
معی خریدند حال بسپرد تو مان میفره و شد

اجبار و ول خارج

از فرار یک در روزنامه جریده اخبارت نوشته
جناب محمد بیگ افندی پسر جناب جلاله باب شد
صدر سابق دولت عثمانی که سفارت کبری بدربار
دولت فرانسه مامور روانه شده بود است
بعد از ورود جناب سفیر کبیر شارلیه بیارسی
بگامه در آنجا ناخوش شده و رسانیدن آنجا
نامه که همراه جناب سفیر بوده است با علیحضرت
امیر اطور فرانسو تا خیر افتاده و رسم شرفیابی
بهن میاید و بعد از رفع ناخوشی جناب مشاریح
در روز سی و یکم استوس و کئی بحضور علیحضرت
امیر اطور شرفیاب شده و بدون اعتماد نامه
موفق گشته است از جانب علیحضرت امیر اطور
بجناب مشاریح خطابا با انظار کمال خیر خواهی و موافقت
نسبت بذات شوکت سعادت و در محافظت امور
دولت عثمانی در حالت یکدل و یکجبهت بودن با دولت
انگلیس سعی و همت نمودن و بذل کنت کردن در
وقت و قدرت ذات علیحضرت پادشاه عثمانی
در کار گردیده است و از ماموریت جناب سفیر شاریح

که وایم در خدمات بزرگ و عهده دولت و ملت
و سپردات و شخص عالیقدر بوده است علیحضرت
فرانس انظار ممنوعیت نموده است
دیگر نوشته بودند که در بیت و نهم ماه و پنجم در
بغاز طونه از شدت طوفان چهار قطعه کشتی یونانی
سکنه و غرق شده است

دیگر نوشته بودند که از واپورهای شجارتی استر
یک فرزند واپور که مستی با فرقیابوده است در وقت
آمدن از ترسیده در مقابل آله ساقزنجکی نشسته
اهل واپور در نورس حل سلامت و رانده اند و
نوز کیفیات حویشان معلوم نموده است

یکی از واپورهای کونپولی دولت استر به سبب باز
بودن رودخانه طونه برای رفتن از اسلامبول
و از قلاعه پونیه بفرار شده است که از اسلامبول
تقلیحه و وارنه برود و در کینه بازمرا باسلامبول
از طرف دولت فحیمه استر به بقرمپانیه واپورهای
بجا لک دولت عثمانی کار می کنند الی ده سال
در پرتغال بیت و پچرا کسب آنچه که بر کسب ده
واده شده که تجارت قومپانیه رواج بگیرد و
کلید بطرف دولت راجع شود و در تحت قومپانیه
مرنور الان سی قطعه واپور موجود است و بیست
قطعه واپور بزرگ هم در انگلیس می سازند و
با تمام بوده است بنام تقصیل و بیانی که مذکور
بعد از واده شدن وجه اعانه قومپانیه واپورهای
از طرف دولت استر به که پیش ازین از ترسیده

و در روز با سلامبول می آمدند حالا وصول آن
در شش روز از جانب قومپانیه بیان و اعلام
گشت است

مثل واپورهای دو به دو دولت انگلیس و دولت فرانسه
ساخته اند از طرف دول اسپانیا و لیجیا و فلانک
نیز ساخته اند که در انگلیس برای آنها از اینچون و آنچون
ز به به ساخته شده و خود همس کرده اند اگر چه برای
دول اسپانیا ساختن کشتی ممنوع است لکن بعد از
تمام شدن پنجاه قطعه واپور دو به دو در دستگاه
و کارخانه های انگلیس در دست دارند و کارخانه
از جمله صاهه به دول فریورده و میان کرده اند

سبب مکی و کمی نایبه دولت اسپانیا بول از انالی
بلا و پول ریاد قرض کرده است چون ریاده ازین
از انالی ولایت قرض گرفتن خبر شد از امر جان
مستبر و از بعضی تجار که بر در ده نعت دولت بول
بطور اجبار با نصد هزار کیه پول گرفته اند

دیگر خا پنجه و نمره ۲۴۵ این روزها مانده اند
اعلیحضرت پادشاه انگلیس که پاریس پای تخت
دولت فرانسه غنیمت نموده بودند با اعلیحضرت
امپراطور فرانسه ملاقات نموده و در این صحبت از
جانب اعلیحضرت پادشاه انگلیس الما رکال مود
ویکانی و ولشین انگلیس و فرانسه کردید است که
الی الابد این موافقت باید آید و بعد ولایت
جنگ و معایر صحت با پیر و ولشیمین مستحور
بود

۱۵۸۰

در اوقات تعطیل مجلس کبر شو متحانه انگلیس چون
اعلیحضرت پادشاه انگلیس عزیمت گشت و تفریح
نموده بود و امور مهمه و بعضی مواد خارجه و داخلی
دولت فریورده بود بر حسب مفوض شده که مانند
سواه سابقه با مقصای مور شجره دارد

دیگر نوشته اند که در اوقات معاودت اعلیحضرت
پادشاه انگلیس از پاریس اعلیحضرت امپراطور
کبانی که از دولت فریورده همراهم پادشاه
کشای مخصوص دولت فرانسه التفات نموده اند

دیگر نوشته اند که در اوقات توقف اعلیحضرت
پادشاه انگلیس در پاریس که خواب و لیجیورده
فریورده نیز همراهم بوده است اعلیحضرت امپراطور
فرانسه بعضی تحفه و هدایا و تصاویر بخواب و لیجیورده
واود اند که بعضی از آن تصاویر جنبی غایت زیاده
و است

در اوقات عزیمت اعلیحضرت پادشاه انگلیس
بقدر نصد و چهل هزار کس از اطراف و آن فوج
تا شامه بوده اند و از دو هام ریاد از کاشانی اطرا بود
و هم چنین پادشاه ساردینیه نیز در آن اوقات پاریس
آمده و چندی در آنجا اقامت نموده و از آنجا عزیمت
لندن پای تخت انگلیس را داشته است

دیگر نوشته بود که امسال حساب مگرگ فرانسه واکه
بودند بیست طیان فرانسه از سالهای دیگر زیادند
بوده است و اینچنین سبب سبب سبب سبب سبب سبب
فرانسه بوده است

در یکی از روزهای آنکه سها قورینا میخواست
نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه شکست کرده
شکار خوکش پرده رفته بود سگی که همراه برده بود
چند قدم از او پیشتر دوش میگردانید ناگاه این سگ
فریاد گذاشت صاحبش پیش رفت افهی بزرگی دید کردن
افراخته و چهار پای نیم که یک زرع و یک ربع باشد
درازی قد او بود بسیار باهوشک انداخت کلوله
خورده با وجود خرمشگر صیاد را عقب کرد بسیار داشت
و اضطراب خود را بالای در می کشید افهی بچان خود را
بپای درخت رسانید نگاه بیالای درخت کرده و کلن بچان
کلوله قوتی در او مانده بود و توانست از درخت بالا برود
و گذشت و قدری رفته افتاد بعد از مدتی که صیاد خاطر
که افهی بچان شده و دیگر حرکت ندارد از درخت فرود آمد
او را بریده با تش و چرخ و انداخته خود آمد و افهی را بجان
و متعلقان خود نشان داده بعد از مدت روز که خواست
او را بکشد در سر افهی میان پوست و گوشت الماسی ابدار دید که کرمی
بشما او را هزار تومان قیمت کرده بودند آن شخص بسیار
رقه و کیفیت را بدست علوم علی القضاة بیان کرده بود

در یکی از روزهای آنکه شخصی نوشته اند که شخصی در مملکت
سکاگندست که در بوی زمین از او پر زور تر کسی دیده شده
میگوید و تشن بر تپه ای که دوش خود را بر بزرگم
پرده و آب را نیم زرع از زمین بلند میکند و این کس از جمله
زارعین است و در کوهستان آن مملکت ساکن است

از مملکت سمرقند نوشته اند که عباس پاشا نایب السلطنه مملکت
در عاری که نزدیک دشت کویر است سکار آهوی سخی بود
داشت و چند برس تازی سکاری سکار پاشای مازوراز ولایت
انگلیس آورده بودند که در همان ولایت انگلیس آنها را تازی
ایمیسانند و با آن تازیها مشغول شکار بود و بنا داشت
بماند ما و والدش از زیارت پت الله محرم مراجعت نماید
پاشا درین سفر سخت زیاده کشیده بود کشتی سکار که سخته او در
کنار بحر الاحمر در شهر سویس حاضر کرده بودند با آدمها متعلقا
در آن وقت قدری رانند ناگاه کشتی بکشتی و کم ماند
بود که غرق شود و تشریف تمام داشتند درین بین یکی کشتی
سکار و ولایت انگلیس که از مصر آمد وستان کردش نیامد با
سهمها آمده بود و والد پاشا را با آدمهایش کشتی خود
بجده سلامت رسانید بعد از سه روز سخته و دیگر متعلقان
و با در آنجا شدت داشت بسیاری از آدمهای آزاد و با
ناخوشیها تلف شده بودند و خود و والد پاشا چشم در
گرفته بود و معلوم نیست که بعد از معاینه چشمتش خوب بود یا نه
و هر دو فک و والد پاشا بصیرت محبت کن پاشا بنا دارد که
قاهره روان شود و چون که قاعده است که سالی یک دفعه بصیرت
از قاهره بصیرت خواهد رفت

در شهر اسکندریه منظر حسن پاشا میر شورش تاج مملکت
حسن پاشا بنا داشت عدالت خان را بر پا نماید که نصف اهل
از اهل فرنگستان باشند نصف دیگر از اهل خود مصر و
دول خارج ساکن اسکندریه را رضی باین عمل نمودند چونکه
بکشورهای مابین این فرنگستان با اهل آن ولایت رجوع خواهد

مربور بشود و آنها گفته بودند که اوم عادل میرض سجد راه بردن این
 عمل لازم است و بسیار کم یافت میشود بلکه وجود ندارد و باین جهت
 راضی نشده بودند از دیوان اعلای اسلابول حکم شده بود
 که در مصر مشورخانه دیگر بنا بکند از آن لقب به دیوان احکام عدالت
 و این مشورخانه از اعیان مصر میباشد باید آنچه بدیوان عدالت
 وارد در این مشورت نمایند و اهل این مشورخانه را باید انسانی
 اسلابول پسند نمایند و از برای پاشا همین قدر اختیار است که
 موافق مشورت آنها رفتار نماید یا نه اما صورت مشورت مذکور
 آنها باید بوجه معتنی با اسلابول برسد کل ولایات مصر
 آرام بود و قدری رو بترقی داشت در فصل پاییز چون که آب
 رود نیل کسبیده کم شده بود و شیش داشتند که مبادا
 بعقل نیاید اما در آخر پائیز که آب رود نیل دوباره بالا آمد
 کفایت حاصل را کرده بود و در خصوص حاصل بقیه نوشته
 بودند که چون فورنچید و بود معلوم نبود که از سالهای
 زیاد تر یا کمتر شود اما پیشتر از سالهای دیگر کاشته بودند
 رود نیل پر از کشتهها بود که حاصل میان ولایت را کفایت
 میکرد و تجارت فراوان در آنجا داشتند پول زیاد در آنجا
 عوض قیمت اجناس برفت پول طلای انگلستان را که بپوشیدند
 و هر یک دو تومان و دو هزار یا دو هزار و پانصد دینار
 پول ایران است در آنولای بسیار آورده بودند جنسی در آنجا
 متداول شده خصوص در میان اعراب ولایت و در یک هفته
 حساب کرده اند که پست و چغندر بوزن که تخمیناً مسالغ چغندر
 پنج هزار تومان پول ایران باشد پست تجارت آمده و بزار عین
 رسیده بود و چون که شش هفته پهن طور پول فراوان برفتند
 این شش چهار صد چهل هزار تومان پول انگلستان رعایا و

۱۵۸۲

زارعین مصر رسیده و غیر از این مبلغ بزرگ که از پول انگلستان
 داده شده پول زیاد هم از ولایت روم هم از فرانسه
 و اسپانول و سنس با آنجا آمده است

اعلانات

حسب حکم دیوان اعلی قیمت اعلانات درین روزنامه باین تفصیل است
 پیشتر از چهار سطر باشد یک هزار دینار که هر سطر باشد یک هزار دینار
 و اگر پیشتر باشد از قرار هر سطر پنج شای تجار و غیره را اعلام
 میشود که هر کس چیزی فرخشی داشته باشد و بخواهد بچنین اعلام
 نماید درین روزنامه ازین قرار نوشته میشود

موشیور و جیازی نام تاجر فرنگی چند بار مال التجاره به آنجا
 آورده که بفروش برساند در خانه اللهوردی آقا نزدیک
 سفارشخانه دولت تهیه انگلیس در حمله عباس آباد منزل دارد و معاش
 تفصیل ذیل اجناس آورده است و غیر از این تفصیل اجناس

تخت ساجد	تخت بند و غیره	لبان و دوس صبا	فوطی اقمی طلا مینا
تخت چمدان لاج	ساعت مجلسی	فد که در طوفش	ساعت نقره و طلا
خوابین و تختان	طباخچه دارد	تخت ساجد	چتر سار و غیره
تخت چینی از قلم	ساعت کافوری	کار و طاب	چتر سار و غیره
قطر موزیکان	دستکش از پشم	چادر صاف	زین و برک و غیره

بوج تجارت کاه الوان سفید کردن بنیاباه پراهن و کاه
 چغندر کلان با ابریشی
 چغندر کلان الحاقه

دیگر اعلی که تازگی دارد بسیار آورده است که بعضی تا سبجال
 باین ولایت بوج نیامده بود از خوانین و خاص و عام اهل
 دارالخلافه بسیار که را اعلام میکند که هر کدام مایل باشند
 بیایند و تا شایانند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه نهم شهریور سال ۱۲۸۳

مزه ویت و سبزه و یک

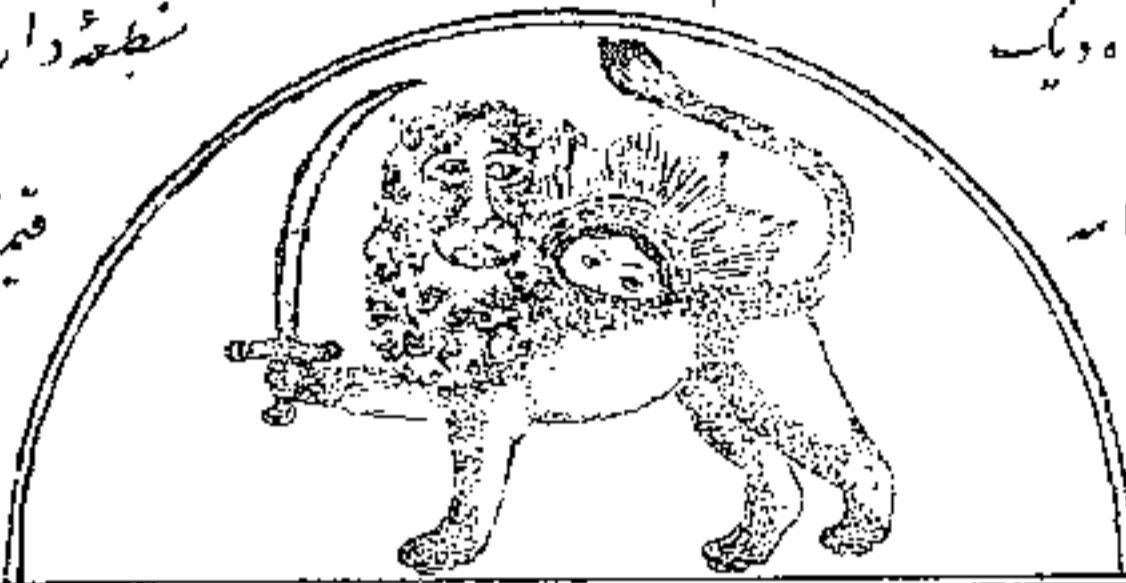
نقطه دار انخلاد طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ششای

هر خط یک



اجبار و احکامک محروسه پادشاهی

دار انخلاد طهران

در روز پنجشنبه عا ایماه علیحضرت امیر کبیر
شاهنشاهی خلد اند ملک و سلطانان بجهت طاعت
به او خرمی اطراف دار انخلاد غریمت گشت و
فرموده حسب الامر اسر باز و علام و عکله مهر
بود که پیش از ورود موبکب هایون شکارگاه دو
بروند و از اطراف هر کوه شکار از وحوش طیور
باجای براندا مویرین اطراف اقدام براندن شکار
نموده و اعلیحضرت شاهنشاهی شرف فرمای انجام
گردیده شکار چه که فرمودند و دست مبارک مشول
تیراندازی و شکار زدن شد و بجای که مصدر
شده و شکار زده بحضور مبارک آوردند انعام
مخمس فرمودند شکار چه که مخصوص این دولت
و شاهنشاهی خوب وارد بانگله تا حوالی عصر بران

شکار و بذل انعام و تفریح آن عا مشول بودند
نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی معا
فرمودند

در روز شنبه عا ایماه سواره شقای شاطر
جمعی عالیجاه مصطفی قلیخان در میدان ارک حاضر
جو انان خوب با اسبان ممتاز و صلاح ار است
کشیده اعلیحضرت شاهنشاهی بدالجهت بجهت
سواره فرزند شریف و نای میدان شده و طاعت
انهار فرموده همگی از حضور مبارک گذشتند چون
کمال آراستگی و نظام داشتند مورد تحسین اعلیحضرت
شاهنشاهی و امسای به وقت غلبه گردیدند جناب
امجد انشم صدر اعظم نیز در حضور مبارک بودند
معا و دست اعلیحضرت شاهنشاهی ببارت باع جناب
معتظم بجهت رسیدگی محاسبات و معاملات دیوان

۱۵۸۲

قرار امور مستویان عظام بد قرخانه مبارک
 و نهار را هم در آنجا صرف نموده تا حوالی عصر مشغول
 رسیدگی محاسبات و معاملات بودند و فردای
 آنروز هم باز بد قرخانه مبارک رفته مشغول رسیدگی محاسبات
 چون بعرض اولیای دولت علیه رسید که بعضی از
 رؤسا و سرکردگان قشون در مواجیب و جیره که از
 دیوان اعلیٰ بنویسد داده میشود افراط و تفریط میکنند
 حیث سببی واقع میشود و آنچه مستوجب پشیمانی
 نوکر میکند که بعضی لابد میشوند به سبب و تعجیر
 سرکار علیحضرت شاهنشاهی صان الله ایام سلطنته
 عن التناهی امر و مقرر فرمودند که برای هر یک از
 اعداد و افراد نوکر بعد از این اگر چه چیز اتفاقی
 افتد که سر کرده در رئیس او از مواجیب و جیره که از
 دیوان اعلیٰ داده میشود بخورد و نرساندگان نوکر
 آمده بجناب جلالت کتب اشرف امجد صدر اعظم
 عرض حال خود را نموده جناب مغری الیه رسید
 نمایند اگر واقعا سر کرده حیث و میل کرده باشد
 استرداد نموده عاید غرض سازند و از سر کرده
 هم مواظده نمایند و الا اگر تا بهین محض شرارت و
 برزگی خواسته باشد افرات و هتاهان بسبر کرده
 بگوید البته مورد مواظده و تنبیه خواهد شد بدین
 باینکه برای هر اتنی رعیتی ممکن است که روزی
 دفعه عرض خود را بجناب معزنی الیه بکند اگر عرض کرده

کسی به سبب برود معلوم است محض شیطنت است
 و الا هر کس عرض حسابی داشته باشد با عرض کند
 اولیای دولت علیه بعرض او غوررسی خواهند نمود
 چون در این ایام فرخنده و فرجام که اعلیٰ و ادانی
 و خاص و عام در جهد امن و آسودگی میباشند و در
 ظل عطف این دولت قوی آیت فارع البال و مرآت
 بشکرا این مویبت و حصول دعای خیر حجت ذات
 اقدس بایون شاهنشاهی خداوند الملک و سلطان المغان
 دولت علیه و مقربان حضرت کردند و بطنه تسبیح
 هر یک تقدیر مقرر و اقدام به احداث آثار خیر و تعمیر
 کتب که بنیاد از جمله متحد در بار سپهر ام معزنی اتفاق
 میرزا محمد صادق قائم مقام اوقاتی که در دربار پادشاه
 بود از جناب اشرف ارفع صدر اعظم اذن و اجازت
 کردید که در روضه قبر که رضویه علیه الاف لثنا الخیر
 اناری بنا گذارد و توحید خانه بعه قبر که را این بنده
 نماید اگر چه خود جناب معظم بشکرا از سلامتی و صحت
 وجود سعادت بایون شاهنشاهی بنای این کار را داشتند
 ولی بیفادانما الاعمال بالنیات اقدام مقرب الخاقان
 مشار الیه را هم باین کار بازار خود دستند و اذن
 دادند و مقرب الخاقان مشار الیه آینههای مصفا می
 باخواه و عهده و اسبابی که لازم بود با عرض فیض بنیان
 فرستاده مأمورین در ماه صفر بانجام این کار اقدام

۱۵۸۴

نموده و در کارند و امیدست که در این اوقات
بزودی صورت اتمام پذیرد

نظر بحسن خدمات عالیجاه محمدرقی بیک حیثیت
که در نظر اقدس عالیون مستحسن و مقبول افتاده
بود در این اوقات او را بلقب خانی سرافراز نمودند
و نام عالیون درین باره صرف صد یافت

امور استثنوی

توپچیان و زنبورکیان و سواره نظام و افواج
قاهره متوقف دار اختلافه مبارکه همه روزه در
ارک و میدان خارج در وازده دولت حاضر
گشته دو ساعت و نیم مشق مینمایند و در خصوص
در کمال اهتمام در سر مشق و تعلیم هستند

فوج دهم حوی که احضار و در بار عالیون شده بود
در روز یکشنبه بمقام آنباه وارد دار اختلافه مبارکه
گردیدند

توپچیان فشار رومی نیز که احضار در بار عالیون
شده بودند در روز جمعه پنجم وارد دار اختلافه مبارکه
شدند

سایر ولایات

اصغیان از قراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته از اسال در فصل عقب سب بارانهای
خوب متوالی در آنجا آمده و از اول عقب تا آخر

اغلب روزها بارندگی شده است بطوریکه
نوشته اند بیچ سال باین قسم باران نمی آید
و این محصله باعث امیدواری تمام عالیون گردید
انجا شده است و امید دارند که بشماره سال
سبب و فواید زراعت بهتر و بیشتر از سالها
دیگر و سبب ارزانی و فراوانی انولایت شود

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار حشمت الدوله حکمران اصغیان در
انتظام امور انولایت اهتمام زیاده دارند و سر
و شرارت کم اتفاق می افتد و اگر بندرت دردی
بشود با تمام نواب معزیه الیه سارق دستگیر و
عقوبه و اموال سر و قه سرد و بعضی تسلیم میشود

از جمله در این اوقات در چهار سوق معصود و کاک
برازی را شب بریده و اجناس او را برده
بودند مراتب امرش نواب شاهزاده حشمت الدوله
رسیده قدغن آکید و رسیدا کردن سارق
نموده و چند روز تا مورین در تفتیش بودند تا
اینکه بعد از چند روز بعضی از اجناس آن
دکان را در لباس ضعیفه فاحشه پیدا کرده

بودند و معلوم شده بود که سه چهار نفر از پیش
این عمل شده اند آنها را حسب الامر گرفته اند
انداختند و باقی اجناس سر و قه را از آنها

گرفته بجا جیش تسلیم کردند تا بحکم سارقین بشود
 استر آباد و اسد آباد و بروجرود
 و بسطام و خراسان و حمزه و خوار
 و سمنان و شاهرو و و عراق و عثمان
 ازین ولایات درین نوحه اخباری رسیده است

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
 امور آنولایت از ابتکارات نواب مستطاب
 مؤید الله له حکمران مملکت فارس در کمال نظام
 و انضباط است بجهت تهیت عید مولود مسعود
 اعلی حضرت اقدس هایون شاهسای ابدالیه
 در شب ششم ماه صفر که شب عید بود نواب
 مغزی الیه بیایع تحت قاجار که جای باصفا و نظر
 اند از لشکر شیراز و اطراف دارورفته و در آنجا
 چراغانی و شش بازی نموده و مالی شهر بسیار
 باها بجهت تماشای شش بازی باغ مزبور برآمده
 لوازم جشن و خرسندی در آن شب بعمل آمده
 و ذای آن شب را نواب مغزی الیه لشکر شیراز
 مراجعت نموده مانند سایر اعیان در بزرگ انعقاد
 سلام عام داده بسبب اعانتی و اعیان و سران
 و صاحب منصبان نظام حاضر گردیده اجرای
 شلیک توپ نمودند و ادای خطبه بلیغ بنام می
 اقدس هایون و ختم تمام بدعای از دنیا

عسکر و دولت و شوکت ابد مقرون نموده و
 حضور سلطنتی وجود فایض ایچو د هایون را تقدیم
 سکرانه و مبارکباد نمودند
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان شیراز
 تحت قاپوچی قراجه داعی در مشق و انشطام امور
 فوج مزبور بکفایت اهتمام را دارد و هر روز
 فوج او مشق حاضر شده از طلوع آفتاب الی دو
 ساعت از روز بالا آمده مشق میکنند و بعد از
 نهار از فوج مزبوره مرخص بوده اند عالیجاه مشارالیه
 طبیب دستار بجهت آنجا معین نموده خود نیز هر روز
 آنجا را سرکشی کرده و دلداری میدهند

دیگر از قرار اخباری که از لار رسیده بود عالیجاه
 علیعلیخان سربنگ فوج قراجه داعی فوج خود را
 همه روزه در آنجا مشق میدهند و با کمال نظم و
 سلوک با اهل آنجا راه میرود و اهل آنجا کمال
 رضامندی از نظم حسن سلوک او دارند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان عبداله
 صاحب مالدوله با کفایت انشطام با جمیعت خود از
 دارابجرد مراجعت نموده وارد بلوک خفر که مرود
 شد و ذوات مستطاب مؤید الله له مقرب الخاقان
 میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس را با مؤید
 سان فواج ابو ایجمی مقرب الخاقان مشارالیه
 رسیدگی حساب مراجعت جیره ایام توقف آنها

فارس بودند که سان دیده و سند خرج گرفته
صنعت نماید و یک قبضه شمشیر کل مرتجع بجهت خود صادر
و چند طاووسال و جبهه ترمه بجهت صاحب منصبان او
فرستاده اند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم خان پسر
افواج سه دهه اصفهان در ایام توقف در بند را بپوش
با کمال نظم راه رفته و مالی انجمن بسیار رسانیده
از معصومیت و حسن سلوک او دانسته اند و حکم
درین روز نامه از رسیدن فوج نهادند و بدی با بجا
مشرف به با فوج خود از ساخلوی بند را بپوش
و در وایسیر از خواهد بود

عالیجاه محمد یحیی سرزنسک فوج نهادند و از خرابی
نوشته بودند فوج مزبور را بانو پیمان و توپخانه
کمال نظم از منازل عرض را و عبور داده و وارد بند
ا بومته گردیده اند و با انجمن که وارد شده با کمال
حسن سلوک با مالی انجمن رفتار نموده است

دیگر از خرابی از عسا که موقوف بندر عباس خبر رسیده
بود با کمال نظم مشغول ساخلوی انجمن میباشند و نوا
امیرزاده عبدالباقی میرزا نجات مرقت را دارند که
از کسی خلاف حسابی باشی و صادر نشود بعد در چهل خیار
نفر از ساخلو انجمن که فرار کرده بودند نواب معزی ایست
انهارا گرفته بعد از تهیه نظامی روانه بندر عباسی نموده
و عالیجاه رضا قلیخان سرپس در کمال تسلط مشغول ساخلوی

میباشد

دیگر نوشته بودند که چون برخی از محصولات بلوک
خفک مرودشت و کربال و رامجرد و بیضا و سیخ و
سن زاده و دود بند کربال مشهور به بند جهان آباد
و بند خشک را آب برده بود ره های انجمن بجهت
مزبور که خسارت با بخار رسیده بود عارض شده
عالیجاهان میرزا علی میرزا خان و میرزا ریح مستوفی
حسب الامر نواب موقت الدوله رفته به بند کربال
بارزید و بستن آن بند را کرده بودند نواب معزی ایست
بکربار و پانصد تومان از بابت مالیات و بکربار و
پانصد تومان نصابان اطلاق حواله نمودند که گرفته
صرف تمبر و بستن بند های مزبور نمایند و عمله و بنا
مشغول کار رسند در این روز نامه با تمام خواهد رسید
و در روز فرستادن بیشتر رسیدگی که محقق شد
خسارت کلی بر عایای بلوکات مزبور رسیده است
نواب معزی ایست بجهت تومان با آنها از جانب بلوکات
اعلی تحقیق دانند که با سودگی و امیدواری مشغول
زراعت و عیسی خود باشند

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده لطفعلی خان
صفحات که کوه کیلور به بهمان را عظیم ساخته و
مشغول انجام خدمات محو نموده میباشد

دیگر نوشته بودند که خلعت در طلعت کاپون و
و حامل میرنجه کی که بجهت مقرب افغان خان هر علیخان

۱۵۸۷

با فرمان جهرمجان مبارک شرف صد دریا قندهار
 شده بود در ۲۲ شهر صفرا با نجا و اردشاه هم
 شاه را لیه با جمیع خواجهین و صاحبان نظام با
 شرافت و لوازم توقیر و احترام را بعل آورده و به
 دیوانی و غیره شربت و شیرینی داده است
 از قراریکه در روزنامه بنذر ابو شهر نوشته بودند
 عالیجاهان میرزا حسنعلی خان دریا بیک و محمد ابراهیم خان
 سرتیپ با چند نفر دیگر از نوکرهای دیوان اعلی بصره
 و سیاحت سجزیره خارک رفتند در آنجا چنانچه
 تقارنا خدایان جزیره خارک را و ستاده بودند
 که از دریای خارک در موضعی که صدف یافت میشود
 صدف دریا و در تقارنا خدایان رفتند و بعد از شش
 ساعت راحت کرده چهل بیچاه عد صدف آوردند
 صدفها خود بخود متحرک بودند باین قسم که در وقت
 صدف تا حد نصف بهم چسبیده بود و نصف که چسبیده
 نبود باز میشد و بستند مانند چالووری که در آن چو
 باز کند و بند میان صدفها را بریدند از یکدیگر جدا
 کردند در ته صدف موضعی که مثل سپتان یا کرمی
 چیزی که بر یک سرخ بود و لزوجی داشت مشاهده
 نا خدایان گفتند که میان این چیز سرخ لزج ممل
 تمامی صدفها را از میان دو حصه کردند و همه آنها آن چیز
 سرخ را داشتند و مرورید در میان آنها نبود کرد
 آن صدفها که در میان جان سرخی یکدیگر مروریدند

بقدر دانه خشکاش یافت شد اینقدر معلوم
 شد که دریای جزیره خارک صدف مروریدند
 دیگر آنکه در سمت شرقی جزیره خارک نیز جزیره
 سسی بخارکو و فاصله این دو جزیره از یکدیگر نیم فرسخ
 میباشد محل مکان صدف میان دریای وسط این
 دو جزیره چنانچه خدایان مذکور نمودند که از میان
 کشتی در آن مکان در ته آب بالای سنگ صدف
 می بینیم پس از آن بر آب میرویم و او را از بالای
 گرفته بیرون می آوریم از اینقرار معلوم میگردد که
 که صدف میشود یعنی در دریای خارک چندان عمق
 ندارد و هرگاه عمیق باشد از بالای آب صدف بر
 آب نمیتوان دید دیگر آنکه بعضی مذکور نمودند که
 و غواصان لقب کرده اند صدفهایی که می بینند
 ندارد و کوچک است و بجهت کمال زرسیده است
 از قرار مذکور اگر لقب کنند صدف بزرگ خوب
 کمال رسیده بیرون خواهند آورد که مرورید بسیار
 خوب کرا بنهادند و بافت شود و بعضی مذکور نمودند
 که این جزیره خارک خودشان پنهانی از نوکرهای دیوان
 اعلی میروند و صدف بیرون می آورند و آنچه
 مرورید حاصل میباشد بجانب مبنی میزند و لغزش
 میرسانند و مشهور است که مرورید خارک بهتر از
 مرورید بجزین است و نیز مشهور است که در زمان حکومت
 شیخ عبدالرسول خان و والده شیخ نصر خان در جزیره

۱۵۸۸

خازک شخصی در صد فی مر واری می یافت چندان وقت
از قیمت آن نداشت مبلغ دولت روپیا و افروخت
پس از آن دست بدست افتاد و بهای او بالا رفت
که بسبب زیاد بیع و شری شد

قزوین و قسم و کاشان و کروش
و کردستان و کرمانشاهان و کرمان
و کیلان و مازندران و همدان ازین
ولایات نیز درین همه اخباری بود

میر و

از قراقرم در روزنامه نیز نوشته بودند عالیجا
مقرب الخاقان محمد یوسف خان سر تپ در روپ
مولود علی حضرت اقدس بایون شافعی لوازم
تبت عید مولود مسعود را از اجرای شیک توپ
ادای خطبه و صرف شربت و شیرینی بطور خوب
بعل آورده است

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان شایرالیه
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و
موجبات سودکی رعیت کمال اهتمام را دارد و
همچنین عالیجا میرزا کوچک خان سر تنک و عالیجا
میرزا حسین سر رشته دار نهایت اهتمام را در انجام
خدمات دیوانی دارند

اخبار دول خارجه

از قراقرم در روزنامه جریده ایحوادث نوشته است

جناب سعید پاشا و الی مصر بجهت تاسی عارت
بلور که در پاریس کسوده شده در دویم ماه محرم
یکشتی بخار فیض جهاد نام سوار شده از اسکندریه
عزمت پاریس نموده است که از آنجا هم بلندن رفت
چندی در آنجا بوده و آنجا را تاش کرده بمصر
معاودت نماید

دیگر نوشته بودند که از دولت سار و نیه سفیری که
در نزد حکمران طوسقانه بود موسیو قزاقی نام را
دولت سار و نیه کاتب محبت جهاد قرار داده بود

حکمران طوسقانه بسبب بودن او در اختلافات سابقه
او را قبول ننموده و سفیر مریور بدولت خود اعلام
کرده بعضی رسیدن این خبر مطلع شدن دولت
شایرالیه سفیر خود شش را امر معاودت نموده و باین
سبب فی انجمن برو دنی ما پن دولت سار و نیه
و حکمران طوسقانه واقع خواهد شد یعنی و قطع
پیشا

دیگر نوشته بودند که در ایتالیا بعضی شرارت و
افساد از پاره اشخاص ظاهر شده بود و در لومبار
پانصد ششصد نفر را که سبب افساد میدانستند که
و حبس انداخته بودند در ضمن استخلاص مجوسین
انالی آنجا هجوم آور شده بودند که این مجوسین در آن
خلاص نمایند ما مورین ضعیف به اجنت برآمده اهل
انجا نوشته بودند مجوسین مستخلص نمایند مگر

یک دو نفر بخانه پوز نام مستشار خاص با پای روی
 که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی است گریزانده و
 مشارالیه کو با بهانه اینکه اینها ناخوش هستند
 بکجا برشته است دیگر بعد از آن خبری رسیده
 که بجا رفته اند و در کجا هستند
 دیگر نوشته اند که سابقا بچه کار کردن در نهرها
 که دو وجب آب باشند و در جایهای تنگ بچه
 جاری نمودن از جانب دولت مجسمه فرانس بود
 شش قطعه کشتی بخار تیز رو قرار شده بود بسیار
 از قرار مذکور محسنات عدیده در ساختن این کشتیها
 مقصود بود و لکن بعضی شبهه کرده بودند که بنای این
 محسنات داشته باشد در این اوقات که کشتیها
 مزبور بعضی ساخته شده محسنات زیاده از آن مقصود
 میشود از جمله یک قطعه از آن کشتیها از مارسیا
 با اینکه بواسطه طوفانی بوده است در بنفذه رود
 میرسعادت اسلا بول آمده است و باقی آن کشتیها
 نیز پی در پی ساخته شده و در کار آمدن پیا
 دیگر نوشته اند که از جانب وکلای دولت عثمانی
 جهت خریدن چهار قطعه کشتی بخار شرع دار ملندن
 شایسته شده بوده است قرار داده شدن قیمت
 و کیفیت کشتیهای مزبور را نوشته بودند
 دیگر در روزنامه فرانس نوشته اند که عهد نامه

تجارتی که فیما بین دولت عثمانی و دولت یونان
 قرار یافته بود بنا بر آن شایسته است و پادشاه
 یونان بکار گذاران وزارت خارجه عثمانی داده است
 دیگر نوشته اند که سفیر دولت عثمانی در ونیز پایتخت
 دولت آستریه چون در این ایام مقصد رحلت
 بزرگ شده بود در زمان مائوریت از امور آنها
 مشغول بود لکن اعلیحضرت سلطان اورا مرتبه اول
 مراتب مناصب که تازه برقرار شده است سرافراز
 کرده و نشان افتخاری مجیدیه نیز از مرتبه اول عطا
 کرده اند
 دیگر نوشته اند که امیر عبدالقادر که در این اواخر
 رفته بود در آنجا ناخوش شده و از اعلیحضرت
 امپراطور فرانس اذن حاصل کرده است که
 پروسه مراجعت نماید
 دیگر نوشته اند که کوپا از اهل انگلیس کوپانی هم
 رسیده است که با منای دولت عثمانی تکلیف ساختن
 راه آهنی کرده اند
 دیگر نوشته اند که چهل و یک نفر از شاگردان
 مکتب سحر دولت سار دینه بجهت سیاحت و
 معلومات دریا کشتی جنگی نشسته بعضی جاها را
 کرده و در این اوقات بیکرگاه اسلا بول ملندن
 دیگر نوشته اند که جناب هار فانزی سفیر دولت عثمانی که در ونیز
 در این اوقات جهت نظم امورات خود با اسلا بول

۱۵۹۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خرداد سنه پنجاه و نهم بیستم

مزه دیت و پناه و دو

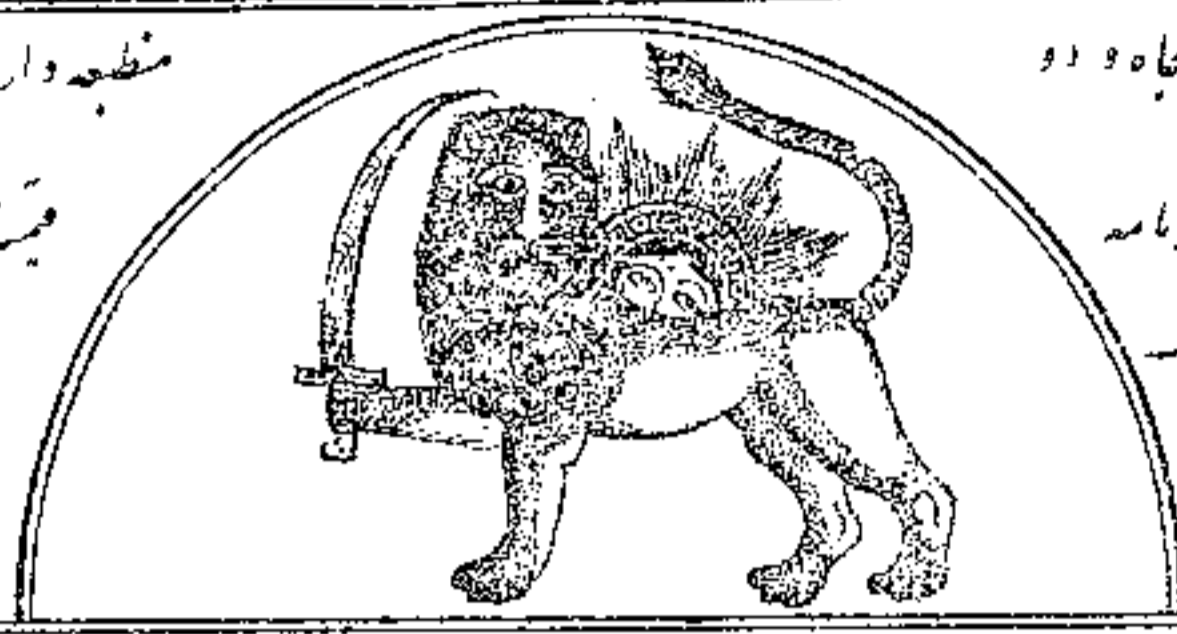
منطبه دارانکلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

برای پخش



انبار واحذماک محروسه پادشاهی

دارانکلافه طهران

در روز یکشنبه گذشته دو ساعت اجروب
 افتاب ماند و اعلیحضرت امدهس کالیون شایسته
 شریف فرمای برسه دارالفنون شدند جناب
 ارفع اشتم صدر اعظم و امیرالامرا العظام سردار
 عا که مشوره و سایر خواص مقربان حضرت کرد
 لجان سینه و صاحب مضمان نظام میرد
 کالیون بودند و بهر یک از اطرافهای سخن شریف
 بودند و از درسهای سابق شاگردان سخن
 شده هر یک جواب از روی علم عرض کردند چون
 مقرر شده بود که بجهت توپخانه مبارکه شاگردان
 جدید معین شوند عالیجاه رضاقلیخان ناظم دارالفنون
 چند نفر مشخص کرده از حضور هر نور اقدس کالیون
 که زاینده و مجد و مقرر نمودند که هرگاه دیگر جسم
 شاگرد با استعدادی پیدا شود بیاورد و شاگردان

دو اساتذ علی که در علم دو اسازی آموخته بودند
 منبسطه ظهور رسا بنده و بسیار سخن و مطبوعه
 ملوکانه افتاد و از انعام اعلیحضرت شایسته بهره
 گردیدند نیز چند نفر از شاگردان توپخانه که مواظب
 ساختن سکه بودند مورد انعام شدند و میرزا فضل
 که یکی از شاگردان مرتبه اول توپخانه است بجهت
 اینکه مشغول درس و تعلیم شاگردان جدید توپخانه
 انعام ملوکانه مرحمت گردیده و تا در ساعت دو
 شریف داشتند و بکارهای آنها رسیدگی فرمود
 بعد از آن شریف فرمای عمارت مبارکه که مدتی
 گردیدند

اولیای دولت علیه از برای استحضار عا خلق
 احواس و دلتکی خود را اظهار میدارند بجهت رک
 برآورده که این روزها فیما بین اولیای دولت ایران
 و سفارت انگلیس فاصل شده است اما بعضی را

۱۵۹۱

گوشه دانی داخله و خارج عمومات نمایند که وقوع
این کیفیت که بسبب تکالیف شاقه و خطرناک
جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس باین دولت
من غیر حق حاصل گردیده است و اولیای این دولت
لمتجار تبرک مراد کرده است دلیل نقصان دولت
صادقانه و دستین ایران و انگلیس نخواهد بود و هم

بسیچ وجه من الوجوه خطی بجالت بی طرفی دولت علیه
ایران نخواهد رسانید دولت علیه جهان بی طرفی
سابق خود باقی و برقرارت و سفرای دولت
مقیمین در بار این دولت علیه از همه امور مستحضر و نا
که خطی در بی طرفی حاصل نشود و نخواهد

چون در این عهد فرخنده کتابا بد پامینده با وجهه
حصول رفاه و اخیانت اغلب صنایع در این دولت
علیه ترقی کرده است از جمله در کارشالیانی کرمان
ترقی زیاد حاصل شده است مرحوم محمد حسن خان
سروار و طاق و شالی سفارش کرده بود که با
طاق و منت رکت در قیمت صد و پنجاه تومان و طاق
سفید و ابی در قیمت صد تومان و این شالها در

بسیچ راه با تمام رسیده بود و در حین حیات خود
طاق و منت رکت را پنجاه شش حصه در بایون و طاق
سفید دانی را پنجاه جناب احمد اشرف ارفع صدر
نرسیده بود که بعد از فوت او شالهای مراد بر

الحق بسیار شالهای بی نظیرند تا امروز در کرمان
شالیان خونی بافته شده بود و با شالهای کشمیری
که درین قیمت مت پیش هم که میکند از همه کس این
شالها را ترجیح میداد امید است که انشاء الله تعالی
یو کافو ما هر کوی صنعتی در این دولت علیه خوب

ترقی نماید

در روز چهارشنبه بمقدم این ماه که روز عید بود
جناب خاتم انبیا صلوات الله علیه و علی عتره الطاهرین
در روز خورشیدی و شامانی بموم اهل اسلام بود
اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه خداوند سلطنت

تحت مردم دیوانخانه بزرگ را بفرمودند و مستور و بیجا
ریب و زینت بخشوده انعقاد سلام عام دادند
هنای دولت علیه و شاهزادگان عظام و امرای

گرام و خوانین و سران و صاحب منصبان نظام
و سایر اهل سلام بعد رکنجایش دیوانخانه مبارک
از نظام و غیره هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده
اجرای شلیک توپ و زنبورک گردیده بود و در
توپ بعد اسم جناب خاتم انبیا شلیک شد
عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه طبع بنا حضرت ختم

مردود و به غایب بجای وجود فایض اسجود بایون و
از دیار دولت و شوکت ایدمتر و خاندانها و بعد از
عالیجاه شمس الشعرا قصیده خواندند که در قیمت این عید مستحضر
نظم کشیده بود و در پیشگاه حضور هر طور بایون داد

۱۵۹۲

موقع قبول و استخار با فقه اهل سلام تهت و مبارک
 عید سعید را تقدیم نموده سلام متفصی گردید
امورات قسوی

فوج و اسم خوی ابو اجمعی عالیجاه بمقتضی خان مبارک
 که احضار بدربارهایون شده بودند وارد و آنحضرت
 مبارک که گردیده در روز پنجشنبه گذشته در میدان
 ارک حاضر شدند و سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی
 شاهنشاهی بجهت ملاحظه آنحضرت شرف فرمای میدان مبارک
 گردیده و آحاد و افراد فوج مبارک را یکی یکی ملاحظه
 فرموده چون کمال ارادت و استقامت را داشتند
 فوج مورد تحسین و التفات و انعام طوکانه گردیدند
 ولی چون عالیجاه بمقتضی خان سر مبارک با فوج سه ماه
 قبل ازین بدربارهایون احضار شده و در آمدن
 تعاهد و تکامل کرده بود و معتد در بار سپهر چشم
 مقرب الحاقان قایم مقام از این احوال او شکایت
 بنجاکای هایون نوشته بود و عرض او چون مقرون
 سبب بود پذیرفته شد لهذا مشیر اورا از کمر
 باز کرده و راطاق نظام محبوب فرمودند بعد حضور
 جنبه مضبوط فرما حور کناه و تقصیر او بعقل آه هنوز هم
 منظور نظر التفات گردیده است تا عبرت سایر
 سیرتیمان و سرنگان و صاحب نصیبان شود که از
 خدمات محو گردید و ان هایون کوتاهی نموده بعضی اجابت
 احضار حرکت نمایند

و هم چنین فوج افشار را و همی جمعی عالیجاه پوستان
 سر مبارک نیز که احضار در بار سوگندار هایون شده
 بودند در این روزها وارد و در آنحضرت مبارک که گردیدند
 و در روز شنبه نهم در میدان ارک صف نظامی
 کشیدند اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی
 ایدالهیته شرف فرمای میدان مبارک گردیدند
 اولاً آحاد و افراد فوج مبارک را بدقت ملاحظه
 و بعد از آن حکم حرکت با آنها داده و فوج مبارک را
 ارادت و استقامت و انتظام حرکت و دوره مشق نمودند
 تحسین و انعام طوکانه گردیدند و بعد از ملاحظه
 اعلیحضرت شاهنشاهی نسبت توخانه شریف
 برده و از آنجا بجهت سلطانی شریف فرما گردیدند

در روز یکشنبه گذشته موکب هایون اعلیحضرت
 شاهنشاهی بعزم سیاحت و تفریح اطراف دارالخلافه
 مبارک که حرکت فرمودند میان افواج قاهره نظام
 که در میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق
 بودند شرف فرما گردیده سواره نظام و افواج
 قاهره مشق کرده حرکات آنها زیاده پسند خاطر
 اقدس شاهنشاهی گردیده مورد التفات
 طوکانه شدند

سایر ولایات

در پایتخت و اصفهان و استرآباد
 و سایر ولایات و این معراج مبارک

۱۵۹۳

بروجرد

از فرار یک روز و روزنامه بروجرد نوشته بودند در تاریخ
 ماه صفر نواب مستطاب احتشام الدوله حکم آن بروجرد
 و عربستان و لرستان و خبثیاری از بروجرد
 حرکت کرد و در زبیت و یکم ماه فروردین وارد خرم آباد
 شدند نواب جلال الدین میرزا را از استروخان
 و نواب غلام حسین میرزا را از تبریز و بالا کر لویه خوا
 معاطات دیوانی ابوالجهمی هر یک رسیده تمام
 تو شمکان و خوانین سلسله و دلفان و بالا کر لویه را
 خواسته آنچه از مالیات دیوانی آنها باقی بود
 گرفتند که در کرمشیر آید بند و هر یک از خوانین
 قدغن شد بدین که بقاعده و حساب حرکت کنند
 چون قرار بود که هر سال بجهت تمامی مالیات جلالیه
 در و سه جامیکر فتند و اینم حله اگر چه منفعت برای
 دیوان داشت که وجه مالیات زود وصول شد
 اما برای طوائف ضرر داشت و کاه و کوسفند و ما و
 آنها اغلب از سر تلف میشد در این سال محض زیاده
 جانب ایلات نواب احتشام الدوله قرار دادند که جلوه
 ایلات را بخرند و تمام با سود کی بکر میرات رفته
 موافق مسکات بدی دیوانی را در کرمشیرات بند
 و از اینم حله نوع رفاهیتی برای آنها حاصل شده
 و عاکوی دولت جاویدت طلبی گردیده اند
 و بیکر نوشته بودند که از اول عقرب تا بیستم بارانهای

سیار خوب در آنجا باریده و هوای سرد کرده اگر چه
 بیانات انکوار نمر حاضر رسیده اما چون باعث
 خوبی زراعت بود بارانهای پی در پی موجب شگفت
 خاطر همه رعایا و اهالی آنجا گردیده مشغول زراعت می
 نوح کندم قدری رو بترقی بوده است ولی بعد از
 آمدن باران تنزل کرد در شهر بروجرد کندم غزوارکی
 دوازده هزار است اما کسی نمی فرود و در دات هر چه
 از کاشان و اصفهان بیاید بهین قیمت میخرند
 و جو سرداری هفت هزار و سایر جو بات بقراتند
 و ادوستد میشود

دیکر نوشته بودند که ناخوشی و باک سابقا در خرم و کا
 بروز کرده بود و در بروجرد و روزی مذاشت در او
 ماه صفر در کلنگان که از دات نواب حاکم سلطنت
 بواسطه مکاره های آنجا که نسبت محلات و کاشان
 و معاودت کرده بودند و و سه روز ناخوشی بروز
 کرده ده بیت تلف شد ولی چون در همان
 روز باران آمد و هوای سرد شد امید کفایت که
 بهمان قدر اکتفا شده و رفع گردیده است

خراسان

از فرار یک در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند
 بقدر مقصد نفر سواره ترکان سرحی تاخت صفیات
 بهرات رفته تا قلعه پیره که مال طایسن است اسیر
 زیاد گرفته در مقام تاخت سوار ترکان و افاغنه

۱۵۹۴

جنگ سخت کرده و از طرفین کشته و زخمی بسیار شده بود
 خبر توابع محمد یوسف میرزا حاکم هرات رسیده بر او
 خود را با جمعی سواره افغان بسیر راه آنجا بکا فرستاد
 فیما بین محاربه صحت شده سواره افغان اسیر و اموال
 از ترکمانان سترو و چند نفر هم دستگیر کرده اند
 از افغانه نیز زیاد مقول و زخمی شده اند
 دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات ارض اقدسیه
 پیچیده از پدر خود بسیار مخوف بوده است اباعی
 خواسته بود بمنزل برود و الایع میفرمده است چو بی
 روزه خون سر از پر شده بود از سرش یک پدش
 او را خواهد زد بدکان عطاری رفته تریاک خریده
 بخانه آمده افتاده و کسی را نیز خبر نموده بود پدرش
 بسراورفته بود که دیده بود نوشته است
 دیگر نوشته بودند که یکی از سربازان کر و سی تقصیری کرده
 بود عالیجا حسنعلی خان سرتیپ دستاوه بود که
 بسیار در تنبیه نامی بهشت گریخته جمعی در
 سرتیپ او را تعاقب کرده بود بهرام خان برادر حسنعلی
 گفته بود شما کار ندانستید با شما من میروم او را با
 و زبان خوش او را از دست بیرون می آورم و بعضی
 بهتر که رفته بود در آنجا سرباز مرزور هرزگی نموده و هیچ
 قیامت و فصاحت فرو گذاشته نموده بود مع ذلک
 پیش دستی کرده بنواب مستطاب هزاره افخم و الا
 فرما نفر ما عریضه نوشته بود که بهرام خان آمده مراد

رزه خواست بعضی بیرون برود توابع مغزی الی غیر
 کرده بود که عالیجا حسنعلی خان چوب و فلک برداشته
 بهرام خان را ببرد و در همان صحن میر که چوب برنده
 عالیجا دستار ایسم حب الامر اورا بعضی برده و
 بنای چوب کاری گذاشته بود خدام بقعه تبرک مستحق
 اجماع کرده گفته بودند که اولاً با مطلع مستقیم که بهرام خان
 بیچو چه تقصیری نموده و باین شخص سرباز مستطاب حضرت
 سرور زده است تا بتبرک و شتم چه رسد تا نیا اگر
 تقصیر هم داشته باشد در صحن تبرک چوب زدن
 مناسب نیست و درین باب استنباط نوشته خدمت
 مدعی البیه داده بودند بعد از تحقیق که معلوم شده بود
 سرباز اقراب بهرام خان بسته است از سر چوب زدن
 او گذشته و باو القات کرده بودند
 دیگر نوشته بودند که در روز ششم ماه صفر که روز عید مولود اعظم
 عالیجا شاهنشاهی بدالله عیثیه بود توابع مستطاب تقریباً با یک نفر
 و کتبه مزاج داشتند بدیوانخانه بزرگ آه القاد و سلام دادند و
 و اعیان و خواجهین هم و حسب نام حاضر شد به تهنیت عید مسعود اجرای
 توپ کرده و ادای خطبه نامی قدس ایون و آقام تکی از یاد
 و ولایا بیرون نموده تهنیت و مبارکباد عید بطور معمول
 حمزه و وار المزد و سمان و شاه پرو
 اینین ولایات نیز درین معقه اجاری بود
 عراق
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند به تهنیت عید مولود مسعود

۱۵۹۵

تایون شاهنشاهی مقرب انجمنان سیر احسان آدم بولایات
 عراق فرستاده و اعظم حسین را اجبار کرده بود اگر چه عموم
 مردم خود مراقب احترام شاهنشاهی این عید مسعود بودند ولی
 سلطان آباد آمده در ششم لوزم ایمن بندی و چراغانی و
 و شاهنشاهی را بهی آورده و در تالار دیوانخانه ضیافت نکین نمود
 در روز ششم بقاعده ایجاد بزرگ مجلس حسین و دامانی برپا کرده
 او ای خطبه پیام قدس تایون و اختتام بجای بقاعی سرود دولت
 روز افزون کرد بزمه عاظم و اغیان و خوانین صاحبان نظام
 صرف شربت شیرینی و اقدام مبارک و عید و نمود

فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند در
 صف چهارشنبه روز باران بسیار خوب در اغلب
 بلوکات فارس آمده امالی آنجا از زول حجت الهی که
 ارزانی و قوا اینک کال سکر گذاری داشته اند

و یک از فرار یک در روزنامه بندر ابر شهر نوشته بودند
 در اوقاتی که عالیجنابان سیر احسان علی خان دریا سکی و محمد
 ابراهیم خان سر تپ از جزیره خارک مراجعت میکردند
 یک فرسخ که از جزیره نر بوره دور شده بودند با قطع شد
 بخت آنها تا روز دیگر سه ساعت از روز بالا آمده و
 معطل شده بود بعد از آن اندک بادی وزید بجان آب سرد
 شدند و در آن حین بقاصد صد قدم بشکلی نمودار کردید
 بعد رگای می نمودار بود بعد از آن بعد حبه فیلی از تن او ظاهر
 کردید بجان خارک میرفت پس از آنکه بعد دو هزار قدم

از جبهه او آنچه پیدا شد که بازی و عوض میکرد و میرفت
 تخمیناً پنج زرع قطره و ده و از ده زرع طول او از آب
 بیرون بود ولی سرد دم او مطلقاً پیدا نبود و معلوم
 که طول او از سرد دم چه مقدار است و این قطر و طول
 نیز که از او مشاهده می شد در دو هزار قدم فاصله بود معلوم است
 در نزدیکی بیشتر بود پس از آن از نظر غایب و شکلی
 نمودار کردید که خفت او بود و از عقب او میرفت و لکن
 یک قدم بیشتر ظاهر نشد و آنچه از او نمودار کردید بعد از
 بعد از آن با دشمنان و زیدین گرفته بینه بقاصد و ساعت
 پنج شش فرسخ راه طی کرده بلنگرگاه رسیدند
 قزوین و قسم و کاشان و کرکستان
 ازین ولایات نیز در این بخت اجباری نبود

کروکس

از فرار یک در روزنامه کروکس نوشته بودند یک نفر بودی
 یکی از اهل دات کروکس امانت داده بود که او در بیچاره بادم او بود
 راه طبع آن شخص سحر کت و تحوالت و سحر و در از خم زده نیز
 زین النایدین خان حاکم کروکس اندک دور بود که در راه دزدان در آن
 زده و برهنه کرده تحوالت بودی که که سحر و استم بر بندگی
 بد است و دقیقه بود که در روع میگوید و میخواند و در آنجا
 جس که ده بود در محض تهیدین و انبوت و آزاری او کرده بود که
 سر خود از خم زده و تحوالت را در فلان محل دفن کرده ام بجای او را
 با دو نفر و تحوالت را در آنجا که او را از زیر خاک در آورده پس نمود
 کرمان و کرمان و نهاوند و همدان و سایر ولایات
 ولایات نیز اجباری نبود

۱۵۹۶

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه وینه پای تخت استریت نوشته
 بودند بعد از چهاره کسپو اسپول و ولتین استریت
 و پروسیه بدول اربعه اخبار داده اند که در با
 تسویه و صفای مجلسی دیگر در وینه برپا نموده بلکه رفع
 نزاع و فغانه دول بشود همه قبول کرده در راه رسید
 وروینه پای تخت استریت مجلسی منعقد خواهد شد و از
 جانب دول اربعه و سایر دول اروپا سفرا با یکجا
 خواهند رفت که بلکه بشا الله اصلاحی باین دول بشود
 امنای دولت علیه ایران چون با همه این دول کار
 یکجائی داشته و اتحاد در ابرند امید دارند که این مصالح
 منعقد شده و سجا طرح خواه طرفین صلاح پذیر گردد
 و امور تجارت رواج و رونق بیابد
 از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته بودند که
 امپراتور فرانسه در کاسل خود نشسته از جانی
 سجاانی میرفته از شخصی خواسته بود پیا سنج با میراطور
 خالی نماید نیز یکی کاسل یکی از اعیان دولت فرانسه
 که مراد امپراطور بود رفته و کاسل کاسل اورا تصور کاسل
 امپراطور نموده پیا سنج را کشیده بود که خالی نماید یکی
 نوکر ثانی دیوان اورا دیده چوبی که در دست داشت
 بدست آورده پیا سنج سرانیز کرده خالی شده بود
 و کلو که بزیر کاسل رفته ضرری بکسی رساند آن شخص را
 گرفته در مقام تحقیق برآید معلوم شده بود که دیوانه

بر بعضی مجازین فرستاد که معاینه نمایند

از قراریکه از بندر سسلا بیک نوشته بودند در اینجا
 طوفان شدید می شد و است که مدت هفت و هشت
 ساعت طول کشیده در خنهای صد ساله را از ریشه
 کنده و سایرهای بسیار بلند را افکنده و فاهنهای
 خواب کرده بخصوص فاهنهای مرتفع را از میان کنده
 و چند کشتی بزرگ نیز از دریاب حل انداخته است
 چهار روز بعد از آن طوفان زلزله شدیدی هم در آنجا
 وقوع یافته اما چندان جزئی ضرر رسانده است

چون در جنگهای فرنگستان متداول است که طرف
 مغلوب و یا ن توپهای خود را میخ کوب می کنند که از
 کار بیفتد و اگر دست دشمن بیاید نتواند بکار بندد
 و از او پیرا داری گاید بگرایند آن توپ را ساخته اند
 نو برینند حال چندکی است که دولت انگلیس قریب
 و متبعی کرده آن میخ را بدین اینکه توپ عیب بکند
 درین توپ درعی آورده با همان توپ پیرا داری
 میکند

دیگر نوشته بودند که پادشاه پرتغال در این باب
 سجد تحلیف سلطنت رسیده خودش حکم افی میکند
 و احکام صادره سابقه امنای دولت خود را قبول
 کرده و قول گذاشته و هر یک از وزرای محکمت را
 در منصب و باقی در برقرار کرده است
 در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جناب

۱۵۹۷